



حقوق بشر از دیدگاه صحیفه سجادیه و رساله حقوق

علیرضا تقی پور^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۸

چکیده

حقوق بشر از جمله مفاهیمی است که به رغم ذاتی بودن آن، پس از جنگ جهانی دوم و تصویب اعلامیه حقوق بشر، مورد توجه جهانیان قرار گرفت. حقوقی که به دلیل ذاتی بودن آن، به افراد خاصی تعلق نداشته و همه بشریت از آن برخوردار هستند. به همین دلیل، دولت‌های جهان ملزم هستند آن را مورد رعایت و احترام قرار دهند. علت برقراری این حقوق نیز بی‌تردید شخصیت و کرامت ذاتی بشر است. مقاله حاضر به این نتیجه دست یافته است که هر چند پیشرفت‌های اخیر جامعه جهانی، تأثیر شگرف بر حقوق بشر و تحول آن داشته است، اما بررسی بیانات به جای مانده از امام سجاد (ع) نشان می‌دهد که برخی از جنبه‌های این مفاهیم، قرن‌ها قبل مد نظر آن حضرت قرار داشته است.

واژگان کلیدی: امام سجاد (ع)، حقوق بشر، اسلام، کرامت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانشیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران a.taghipour@basu.ac.ir

۱. مقدمه

اسلام به عنوان مکتب الهی، اهمیت فراوانی برای انسان قائل شده، به گونه‌ای که خداوند، نه تنها انسان را به عنوان یک مخلوق همانند سایر مخلوقات، بلکه به عنوان خلیفه و جانشین خود مطرح کرده است. موضوعی که در آیه ۳۰ سوره مبارکه بقره به آن اشاره شده است. آن چه که از آیه مزبور استنباط می‌شود، آن است که نوع انسان به عنوان جانشین خداوند مد نظر است و این حاکی از شأن و ظرفیت انسان در مدیریت و خلیفه شدن انسان در روی زمین است. لذا، انسان از منظر قرآن موجودی مرکب از جسم و روح است. از طرفی، آیه ۷ سوره مبارکه سجده، شروع خلقت انسان را طین می‌داند و از طرف دیگر، پس از طی مراحل که در راستای کمال یافتن انسان است به مرحله‌ای می‌رسد که طبق آیه ۹ از همان سوره خداوند سبحان از روح خودش در آن می‌دمد. در این مرحله که انسان از شرافت و کرامت برخوردار گردید، تمام ملائکه که از خلافت انسان تعجب کرده بودند در مقابل او به سجده افتادند که این امر بر عظمت یافتن انسان در سایه بعد الهی دلالت دارد.

با توجه به آن چه که مطرح شد، انسان از حقوقی ذاتی برخوردار است که به حقوق بشر معروف هستند و در تعریفی از آن آمده است: «مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه که به اعتبار انسان بودن در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قدرت حاکم با تضمینات و حمایت‌های لازم از آن برخوردار هستند» (هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۱۲). اما شهروند به دلیل عضویت در یک واحد سیاسی به نام دولت دارای حقوق و تکالیفی است که مجموعه آن را حقوق شهروندی می‌نامند. بنابراین این دو مفهوم در یک افق قرار ندارند. به همین دلیل حقوق بشر به مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی گفته می‌شود که از کرامت انسان و منزلت او نشأت می‌گیرد و باید محترم شمرده شود. (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۸: ص ۱۰) و در نتیجه همه انسان‌ها صرف نظر از رنگ، جنس و زبان از آن بهره‌مند هستند. حال آن که حقوق شهروندی، حقوق و تکالیف شهروند نسبت به جامعه‌ای است که به آن تعلق دارد.

مهم‌ترین رویکردهای تربیتی، اخلاقی، اقتصادی و حقوقی از انسان در کتب صحیفه سجاده و رساله حقوق امام سجاد (ع) آمده است که آن را می‌توان میراث علمی آن حضرت تلقی کرد. دوران امامت امام سجاد (ع) به دلیل فضای اختناق‌آمیز و ظالمانه‌ای که دستگاه اموی بر جامعه اسلامی حاکم کرده بود، دوران تغییر ارزش‌ها، نهادینه شدن ناهنجاری‌های ارزشی و گفتمان غالب جبرگرایی شناخته می‌شود. امام سجاد (ع) می‌دانست آن چه که باعث شهادت پدرش امام حسین (ع) و یارانش گردید ناآگاهی و استثمار فکری مردم توسط حکومت بنی‌امیه بود. لذا، پس از وقوع حادثه کربلا، آن حضرت بهترین وسیله برای تحقق بازسازی بنای عقیده، اخلاق و آداب معاشرت مردم را دعا می‌دانست. زیرا دعا به آن معنایی که از صحیفه سجاده فهمیده می‌شود یک حرکت



سریع در رفع آفات روحی و عقیدتی جامعه است و شامل رابطه انسان با خدا، انسان‌ها با خود و حتی دستگاه حاکم است و همان‌گونه که برخی نیز معتقدند، آن را می‌توان مبنای حقوق بشر از دیدگاه امام سجاد تلقی نمود (ایزدی، ۱۳۹۱: ص ۴۶). رساله حقوق آن حضرت نیز که در برگیرنده پنجاه و یک حق می‌باشد، احکام و وظایفی است که خداوند نسبت به اصناف مختلف برای انسان مقرر کرده است. این حقوق منحصر به وظایف الزامی مؤمن نیست و شامل احکام استجابی نیز می‌شود.

این مقاله که در دو گفتار تنظیم شده به بررسی حقوق و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر (گفتار نخست) و حقوق و تکالیف افراد و دستگاه حکومتی در مواجهه با یکدیگر (گفتار دوم) اختصاص یافته است.

۲. گفتار نخست: حقوق و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر

از جمله مواردی که امام سجاد (ع) نسبت به آن تأکید فراوانی داشته‌اند، حقوق و تکالیفی است که افراد نسبت به یکدیگر بر عهده دارند. به عبارت دیگر، برای رسیدن به یک جامعه آرمانی و ایمانی، همان‌گونه که افراد واجد حق هستند، تکالیفی نیز بر عهده‌شان می‌باشد.

۱-۲- الف - حق طرفین دعوی

از جمله حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر که پس از جنگ جهانی دوم به تدریج به تصویب کشورهای جهان رسیدند و در اسناد مزبور به صراحت از آن یاد شده است، حق بر دادرسی عادلانه است که واجد مصادیق متعددی است یکی از این مصادیق، حق دسترسی به قاضی با صلاحیت، مستقل و بی‌طرف است. در فراز سی و هشتم از رساله حقوق، امام سجاد (ع) می‌فرماید: «اما حق خصمی که نسبت به او ادعا داری این است که اگر تو راست می‌گویی، برای خاتمه و خروج از دعوی نیکو سخن بگویی زیرا ادعا، درستی و سنگینی در گوش طرف به وجود می‌آورد. پس برهان خود را به نرمی و آرامی بگو. از بیان روشن و ملاطفت و متانت در گفتارت بهره گیر. چون فریاد و ستیز، دلیل و برهان را از تو می‌گیرد و بعد از آن نمی‌توانی جبران کنی و اگر در ادعایت دروغ می‌گویی از خدا حیا کن و دعوی را رها نما». همچنین، در فراز دهم از دعای بیستم صحیفه سجاده آمده است: «... مرا خلعت پارسایی بپوشان تا دادگستر باشم و خشم فرو برم و آتش فتنه را بنشانم و رنج‌دیدگان را آشتی دهم و اصلاح ذات‌البین کنم و بردبار باشم...». از عبارات مزبور استنباط می‌شود که باید محکمه‌ای در دسترس افراد باشد که بتوانند دعوی خود را در آن مطرح نمایند و مسلماً لازمه چنین محکمه‌ای نیز وجود قاضی بی‌طرف و مستقل است. قاضی نیز باید با رعایت اعتدال میان طرفین به قضاوت بنشیند و سخن طرفین دعوی را بدون آن که بی توجهی و ناراحتی از اصرار آنان به او دست دهد، مورد استماع قرار دهد. در واقع، رعایت برابری میان طرفین نزاع از جمله اصولی است که باید مورد توجه قاضی محکمه قرار داشته باشد. در ادامه

همین فراز نیز این‌گونه می‌فرماید: «و حق گویم گرچه اندک باشد...». بنابراین، هر چند قاضی باید با بردباری و سعه صدر و رعایت برابری در زمان رسیدگی عمل نماید، اما زمانی که حق یکی از طرفین مورد شناسایی قرار گرفت، باید با استواری از آن حمایت و حکم بر آن مبنا صادر شود. بدیهی است، ایجاد صلح و آشتی نیز باید به عنوان اولین وظیفه، مورد اهتمام قاضی قرار داشته باشد.

از منظر فقه، مرتبه قضاوت از جایگاه بالایی برخوردار است به گونه‌ای که امیرالمؤمنین علی (ع) به شریح قاضی می‌فرماید در جایگاهی نشست‌ای که فقط جای نبی و وصی یا انسان شقی و بدبخت است (حر عاملی، ۱۴۱۴ ه.ق: جلد ۲۷، ص ۱۷). بدین سان، قاضی باید با متانت و صبر و حوصله، دعوای طرفین را استماع کرده و مبادرت به صدور حکم عادلانه نماید. همچنین، نکته مهم در فرمایش امام سجاد (ع) در رساله حقوق آن است که فردی که طرف مخاصمه قرار گرفته و علیه او ادعایی شده است، باید ببیند انصاف چه اقتضایی دارد و نفس خود را حکم قرار دهد. اگر طرف مقابل راست می‌گوید، قبل از این‌که حکمی صادر شود آن را بپذیرد. در فراز سی و هفتم از رساله حقوق، امام سجاد (ع) می‌فرماید: «اگر مدعی دروغ می‌گوید یا واقعاً خطا کرده و یا دچار توهم شده است، در این صورت باید با رفق و مدارا او را به اشتباهش متنبه کرد و لازمه آن مراعات وی می‌باشد. از طرف دیگر، اگر طرف مقابل نیت ظلم دارد و اشتباهی بر او وارد نشده است نباید با او درگیر شد». در تعبیری نیز از امیرالمؤمنین آمده است که هرکس با افراد فرومایه وارد دعوی شود عزت خود را لکه‌دار کرده است (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۸۲).

موضوع دیگری که حضرت سجاد (ع) به آن توجه کرده‌اند این است که از نارواگویی و زیاده‌گویی باید پرهیز شود. در فراز دهم از دعای بیستم صحیفه سجادیه و در ادامه شرایط قضاوت ایشان می‌فرماید: «بیانم نیکو و روش رفتاری من پسندیده باشد». زیرا اگر کسی بدزبانی کند حتی اگر طرف مقابل او به ناروا حقی را مطالبه می‌کند مرتکب گناه شده است؛ چه رسد به آن که قاضی محکمه از چنین خصوصیت ناروایی برخوردار باشد.

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود آنچه را که در یک جلسه دادرسی باید مطرح شود و قاضی محکمه نیز باید آن را میان طرفین رعایت نماید در سخنان گران‌قدر امام سجاد (ع) قابل مشاهده است.

۲-۲-ب- رعایت حق همسایه

اسلام را می‌توان به عنوان یک دین اجتماعی معرفی نمود. انسان نیز موجودی اجتماعی است، بنابراین راه تقوا و بندگی از مسیر اجتماع می‌گذرد و نمی‌توان جدا از مردم و اجتماع به بسیاری از کمالات انسانی دست یافت. در حقیقت همسایگان نزدیک‌ترین بخش از جامعه به یکدیگر هستند که هر خانواده‌ای با آن در تماس است و نیازهای خود را از این طریق برآورده می‌سازد. پیامبر اسلام (ص) فرموده است: «خدایا از همسایه بد در خانه اقامت به تو پناه می‌برم زیرا همسایه صحرا به



زودی تغییر می‌یابد» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۹۰: ص ۲۵۵). در آیه ۷۸ سوره یونس نیز خداوند فرموده است: «به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه‌هایی ترتیب دهید و سراهایتان را روبروی هم قرار دهید و نماز بر پا دارید». در واقع آیه مزبور توصیه می‌کند زمانی که خانه‌ها روبروی هم قرار گیرند، ملت هم‌عقیده و هم‌فکر در کنار یکدیگر گرد آمده و ضمن تأمین امنیت جانی، پاسخگویی نیازهای مشروع یکدیگر هستند.

همچنین، در آیه ۳۶ سوره مبارکه نساء آمده است: «و خدا را بپرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر خود نیکی کنید و همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و همسایه نزدیک و همسایه دور ...». در تفسیری از این آیه آمده است: «... سپس توصیه به نیکی در حق همسایگان نزدیک می‌کند. در این که منظور از همسایه نزدیک چیست، مفسران احتمالات مختلفی داده‌اند. بعضی معنی آن را همسایگانی که جنبه خویشاوندی دارند، دانسته‌اند ولی این تفسیر با توجه به این که در جمله‌های سابق از همین آیه اشاره به حقوق خویشاوندان شده بعید به نظر می‌رسد، بلکه منظور همان نزدیکی مکانی است. زیرا همسایگان نزدیک‌تر حقوق و احترام بیشتری دارند و یا این که منظور همسایگانی که از نظر مذهبی و دینی به انسان نزدیک باشند. سپس درباره همسایگان دور سفارش می‌نماید که منظور از آن دوری مکانی است. زیرا طبق پاره‌ای از روایات تا چهل خانه از چهار طرف همسایه محسوب می‌شوند که در شهرهای کوچک تقریباً تمام شهر را در بر می‌گیرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۳۸۰ و ۳۸۱). با توجه به موارد مطرحه، مشخص می‌گردد که خداوند سبحان در آیه ۳۶ سوره مبارکه نساء رعایت حق همسایه را در ردیف نیکی به پدر و مادر و خویشاوندان در نظر گرفته است که حاکی از اهمیت مقام همسایه است. امام سجاد (ع) نیز که پرورش‌یافته مکتب اسلام می‌باشد به تبعیت از قرآن از خداوند می‌خواهد که به بهترین صورت رعایت حق همسایگان را به ایشان عطا نماید.

در فراز نخست از دعای بیست و ششم صحیفه سجادیه امام سجاد (ع) این‌گونه می‌فرماید: «خدا یا به بهترین وجهی مرا در مراعات حق همسایگان و بستگان من یاری کن که حق ما را شناختند و از دشمنان ما تبری جستند». در ادامه همین دعا و در فراز دوم آمده است: «و آنان را توفیق ده که دارایی و احسان خود را از دیگران دریغ ندارند و آن چه باید بخشند پیش از سؤال بخشند». در نتیجه، ملاحظه می‌شود چه در گفتار و چه در رفتار باید به بهترین وجه با همسایه برخورد شود. این نکته را می‌توان در فراز دهم از دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه نیز ملاحظه کرد که می‌فرماید: «ما را توفیق ده ... که به احسان و عطا همسایگان را بنوازیم».

در فراز سی و یکم از رساله حقوق نیز آن حضرت ابتدا می‌فرماید که وقتی همسایه‌ات در منزل نیست باید خانه و مال او را از تعرض دیگران حفظ کنی و زمانی که با یکدیگر در جمع دوستانه‌ای شرکت کرده‌ای احترام او را حفظ کنی. به عبارت دیگر و همان گونه که در بسیاری از روایات نیز



آمده است این جمله به آن معنا می‌باشد که همان‌طور که دوست داری با تو رفتار شود با او رفتار کن.

از دیگر مواردی که امام سجاد (ع) در همین فراز از رساله حقوق به آن توصیه فرموده‌اند، آن است که از جایی که همسایه خبر ندارد سخنان او را استماع نکنید. زمانی که خداوند در آیه ۱۲ سوره مبارکه حُجُرَات می‌فرماید که در کار مردم تجسس نکنید، شامل هر نوع جستجو در کار و زندگی خصوصی دیگران می‌شود و حتی شامل استماع سخنان و نگاه کردن پنهانی به دیگران نیز می‌شود. در همین راستا پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «ای امت اسلام، خداوند خصلت‌هایی از شما را نمی‌پسندد که یکی از آنها اشراف پیدا کردن به خانه دیگران است که می‌تواند با نگاه کردن یا گوش دادن به سخنان باشد» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ه.ق: جلد ۱۵، ص ۳۴۴). همچنین، امام صادق (ع) می‌فرمایند: «خداوند نهی کرده است که انسان به خانه همسایه‌اش اطلاع پیدا کند و این افراد از دنیا خارج نمی‌شوند تا این که خداوند آنان را رسوا کند مگر توبه کند» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ه.ق: جلد ۲۹، ص ۶۷).

از دیگر نکاتی که امام سجاد (ع) در همین زمینه می‌فرمایند، آن است که به هنگام مصائب و شدائد، همسایه را رها نکند. به عبارت دیگر، همسایگی زمانی می‌تواند معنای واقعی به خود بگیرد که اگر مشکلی اعم از مادی و معنوی برای همسایه پدید آمد تا حد امکان باید نسبت به برطرف کردن نیازهای وی اقدام نمود. به همین دلیل است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «بهترین مردم، نفع رسانندگان به سایر مردم هستند» (هندی، ۱۴۰۹ ه.ق: ج ۱۶، ص ۱۲۸) و نیز می‌فرماید کسی که بمیرد و سه همسایه داشته باشد که همگی از او خرسند باشند آمرزیده شده است (نوری، ج ۸، ص ۴۲۲). در همین راستا امام صادق (ع) می‌فرماید که نباید به همسایه حسد برد و از ناراحتی او شادمان گردید (کلینی، ۱۳۷۷: ج ۳، ص ۴۱۸).

رعایت حق همسایه، علاوه بر تأمین آسایش وی، آرامش فکر و روان و راحتی جسمی برای خود مراعات‌کننده را نیز در بردارد. هرگونه عمل ناراحت‌کننده‌ای که همسایه را رنج دهد اثر وضعی و حتمی‌اش عکس‌العمل آزار دهنده‌ای از جانب او خواهد بود. به خاطر اهمیت این موضوع است که حضرت علی علیه‌السلام در بستر شهادت در ضمن وصایای خویش، سفارش نیکی و احسان در مورد همسایگان می‌فرماید و وصیت خویش را با استناد به سخنی از رسول الله (ص) موکد کرده و می‌فرماید، رسول خدا آن‌قدر درباره همسایه سفارش فرمود که ما گمان کردیم برای همسایگان حق ارث از اموال یکدیگر قرار خواهد داد. بدین سان، جامعه اسلامی که براساس اعتقاد به مبدأ و معاد تشکیل یافته، فرد فرد اعضای آن سنگ بنای پیکره توحید و عدل اجتماعی بوده و باید یک‌دل و یک‌جان باشند و در صف واحد برای گشودن باب سعادت بر روی بشریت تلاش کنند و این چنین مردمی حتما حقوق و وظایف را محترم دانسته و یکدیگر را در راه رسیدن به اهداف عالی الهی یاری



می‌کنند. صرف نظر از آنچه که مطرح شد افراد و حکومت نسبت به یکدیگر از حقوق و تکالیفی بر خوردار هستند.

۳. گفتار دوم: حقوق و تکالیف افراد حکومت نسبت به یکدیگر

از دیدگاه امام سجاد (ع) و باتوجه به تعریفی که از حقوق شهروندی ارائه گردید، فقط حکومت نیست که باید حقوقی را برای شهروندان در نظر بگیرد، بلکه حکومت نیز واجد حقوقی است که هر دو گروه باید آن را نسبت به یکدیگر در نظر بگیرند.

۱-۳- الف - حقوق حاکم و فرمانروا

حاکمیت به آن معنا است که مجموعه‌ای تحت عنوان دولت در برابر اعضای جماعت اعم از فرد و گروه دارای قدرت برتر است. آخرین کلام، از آن اوست و اراده او بر تمام اراده‌های جزئی غلبه دارد (قاضی، ۱۳۷۰: ص ۱۸۸). به همین دلیل است که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «به هر حال جامعه باید امیر و فرمانروایی داشته باشد اعم از این که صالح و شایسته باشد یا فاجر و فاسق» (نهج-البلاغه، ۱۳۸۰: ص ۹۷). به این ترتیب، ایجاد نظام و امنیت ایجاب می‌کند، اقدامی علیه حکومت توسط مردم صورت نپذیرد. بدیهی است حکومت نیز تمایل ندارد حاکمیت خود را از بین رفته ببیند و به همین جهت سعی در حفظ نظم در جامعه خواهد کرد.

در این رابطه امام سجاد (ع) در فراز پانزدهم از رساله حقوق می‌فرماید: «با فرمانروا از در مخاصمه در نیا، زیرا او بر تو قدرت و تسلط دارد و در نتیجه خود و او را در معرض هلاکت و تباهی قرار می‌دهی». بنابراین، باید در برخورد با حاکم نه تنها او را یاری و مساعدت کرد، بلکه از جدال و ستیز با او خودداری نمود. به ویژه اگر این حاکم، عادل و صالح باشد، نه تنها عقل حکم می‌کند که نباید با او از در مخاصمه درآمد، بلکه این اقدام حرمت شرعی هم دارد و به همین دلیل، با تمام قدرت سعی می‌کند اقداماتی که علیه او ترتیب داده شده است را به هر طریق ممکن از بین ببرد و اگر مبادرت به آن ننماید، فتنه و هرج و مرج و سلطه غیرعادل را در پی خواهد داشت. بنابراین، کار این فرد که با یک قدرت قاهر در افتاده است، باعث هلاکت دنیوی او می‌شود و هلاکت اخروی را هم در پی دارد. اما اگر با حاکمی که عادل نیست مبارزه کند، چون فاقد قدرت است، عقلاً چنین امری جایز نبوده و باعث هلاکت او می‌شود و از طرف دیگر دست حاکم ناعادل را به خون مظلومی نیز آلوده می‌کند. مرحوم صدوق نیز می‌فرماید: «اطاعت از سلطان واجب است و کسی که اطاعت او را ترک کند در حقیقت اطاعت از خدا را ترک کرده و مرتکب امری منهی شده است زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید با دست خود، خویشتن را به هلاکت نیندازید» (صدوق، ۱۳۸۳: ص ۲۷۷).

امام سجاد (ع) در همین رابطه و در فراز هشتم از دعای بیستم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «... مرا بر کسی که به من ستم کند چیرگی ده و با آن که با من به مجادله برخیزد، زبان گویا ساز و بر آن که نسبت به من دشمنی ورزد، پیروزی عنایت کن و بر آن که مرا می‌فریبد، چاره‌سازی مرحمت

فرما و بر آن که مرا زبون خواهد، قدرت ده و بر آن که مرا عیب می‌گوید، توانی ده که دروغش را آشکار کنم و از چنگ آن که مرا بیم دهد، رهایم کن و از آن که مرا به راه راست رهنمون شود و استقامت آموزد توفیق فرمانبری ده...».

اما مردم نیز در قبال حکومت واجد حقوقی هستند و از مهم‌ترین آنها اجرای عدالت است و اجرای عدالت نیازمند آگاهی نسبت به قوانین و نیز موازین عدالت است و بدیهی است حاکمی که خود عادل نباشد نمی‌تواند آن را در جامعه پیاده کند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «کسی که می‌خواهد فرمانروای مردم باشد باید نفس خود را آموزش دهد تا این که در مقام حکومت‌داری به جای زبان، روش و منش او آموزنده باشد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰: ص ۹۷) و در منشوری که به مالک اشتر به هنگام اعزامش به مصر برای حکومت بر مردم آن سامان می‌نویسد می‌فرماید: «و قلب خود را با دلسوزی و دوستی و مهربانی با مردم آشنا کن و همانند گرگ درنده‌ای که بلعیدن آنان را غنیمت شمارد مباش، زیرا که مردم زیردست تو یا برادران دینی تو هستند و یا در اصل انسانیت و آفرینش با تو هم‌نوع‌اند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰: ص ۵۹۹). این است دیدگاه علی (ع) راجع به حاکم و رفتار او با مردم و چنین حاکمی که خدا را فراموش نکرده، حرمت مردم را پاس می‌دارد و فریادرس ستم‌دیدگان و انیس محرومان است، بر گردن مردم حقوقی دارد که مهم‌ترین آنها اطاعت از او در راه اجرای قوانین الهی و پیش‌برد جامعه به سوی کمال و معنویت است. در غیر این صورت، نه تنها حاکم را بر گردن مردم حقی نیست، بلکه ملت زیردست او موظفند برای تغییر حاکمیت از راه‌های مختلف و بر حسب شرایط متفاوت پیکار کنند.

در فراز هجدهم رساله حقوق آمده است: «حق زیردستان سیاسی تو آن است که بدانی چون آنان ناتوانند و تو قدرت داری، زیردست تو شده‌اند. پس باید در میان آنان به عدالت رفتار کنی و با آنها همچون پدری دلسوز و مهربان باشی و نادانی‌شان را بر آنها ببخشی و زود کیفرشان ندهی و خدا را به خاطر توانایی که در امور مربوط به ایشان به تو عطا کرده، سپاسگزاری کنی». این موضوع در صحیفه سجادیه در فراز نخست از دعای سی و هشتم به این صورت مطرح شده است: «خدایا از تو پوزش می‌خواهم دربارهٔ مظلومی که در حضور من به او ستم شد و من یاری‌اش ندادم و از احسانی که نسبت به من شده و سپاسش را به جا نیاوردم و از بدکننده‌ای که از من پوزش خواسته و من پوزش او را نپذیرفتم و از نیازمندی که از من درخواست کرده و من او را بر خود برتری ندادم و از حق مؤمن صاحب حقی که بر عهده‌ام بوده و آن را نپرداختم و از عیب مؤمنی که برای من آشکار شده و آن را نپوشانده‌ام». به این ترتیب، یاری ستم‌دیده واجب و سپاسگزاری از نیکوکار و قبول عذر بدکردار و رفع حاجت نیازمند و ادای حق مؤمن، امری ضروری و بی‌توجهی به این مسائل دور از شأن مؤمن است.



بدین سان، عمل به احکام، پسندیده‌تر از دستور به انجام نیکوکاری است و مردم را نیز بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. در همین راستا نیز پیامبر اکرم (ص) در سخنی می‌فرماید: «هیچ مؤمنی به تکامل ایمانی نمی‌رسد مگر این که هوای نفس خود را پیرو دستوراتی قرار دهد که من برای شما آورده‌ام» (سیوطی، ۱۹۸۳م: جلد دوم، ص ۳۰). با توجه به موارد مطروحه مشخص می‌گردد، کسی که نتواند مالک نفس خود باشد هرگز نمی‌تواند برپاکننده عدل باشد.

پروین اعتصامی شاعره مسلمان و پاک‌نهاد و خوش‌ذوق و درد آشنای دوران معاصر که متانت و اخلاص در اشعارش جلوه‌گر است چهره زمامدار و حاکم ستمگر را در شعری بنام اشک یتیم این گونه به تصویر می‌کشد:

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی	فریاد شوق برسر هرکوی و بام خاست
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم	کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست	پیداست آنقدر که متاعی گرانبهاست
نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت	این اشک دیده من و خون دل شماست
ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است	این گرگ سالهاست که با گله آشناست
آن پارسا که ده خرد و ملک رهزن است	آن پادشاه که مال رعیت خورد، گداست
برقطره سرشک یتیمان نظاره کن	تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست

(اعتصامی، ۱۳۸۴: ص ۷۹)

۲-۳-ب - حقوق اقلیت‌ها

موضوع اقلیت‌ها و حمایت از حقوق این دسته موضوع تازه‌ای به شمار نمی‌رود. کامل‌ترین سندی که منحصرأ به حقوق اقلیت‌ها می‌پردازد، اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی است که در سال ۱۹۹۲ در مجمع عمومی ملل متحد به اتفاق آرا به تصویب رسیده است. در دیباچه این اعلامیه آمده است که ترویج و تحقق حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌ها، بخش جدایی‌ناپذیر تحول جامعه در یک چارچوب دموکراتیک مبتنی بر حاکمیت قانونی است. در ماده اول اعلامیه از دولت‌های عضو خواسته شده که هویت اقلیت‌ها را شناسایی و تقویت کنند. مجمع عمومی نیز دولت‌ها را دعوت کرده که برای ترویج و عملی ساختن شایسته و بایسته اصول این اعلامیه، تمام تدابیر ضروری را به ویژه در عرصه قانون‌گذاری در پیش گیرند. ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۳۰ معاهده حقوق کودک هر دو اشاره می‌کنند که اشخاص متعلق به اقلیت‌ها نباید از حق داشتن زندگی فرهنگی خود، عمل به دین یا کاربرد زبان خودشان محروم شوند. در پایان دهه هشتاد و اوایل دهه نود مسئله حقوق اقلیت‌ها به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جهانی تبدیل شد. در این سال‌ها شاهد ستیزه‌های درونی خشونت‌آمیزی



بوده‌ایم که گسترش آنها با درد و رنج‌های انسانی توصیف‌ناپذیر، آوارگی انبوه انسان‌ها و اختلال و خیم در حیات اقتصادی و اجتماعی همراه بوده است (پوینده، ۱۳۷۷: ص ۶۹).
 امام سجاد (ع) در فراز پنجاهم از رساله حقوق در این رابطه می‌فرماید: «حق ذمیان که در پناه اسلام هستند و به شرایط ذمه عمل می‌کنند، این است که آن چه را خدا از آنها پذیرفته است، بپذیری و پیمان خدا را در حقشان رعایت کنی و آن چه را از آنها خواسته‌اند و مجبورند عمل کنند از آنها مطالبه کنی و در معاشرت‌ها حکم خدا را درباره آنان اجرا کنی و به احترام پیمان الهی و به موجب عهد خدا و رسول، آنها را نیازی که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است: (هر که به کفری که در پناه اسلام است، ستم کند من دشمن اویم)، پس خدا را در نظر داشته باش.»

در ایدئولوژی جهانی اسلام، ملاک شهروندی، ایمان و عقیده و نه خون و زبان است. به همین دلیل در یک جامعه ایده‌آل اسلامی هر فردی که به اسلام معتقد باشد، عضوی از خانواده بزرگ اسلام به شمار می‌رود. اما این امر به آن مفهوم نیست که افرادی که پیرو دین اسلام نیستند و در یک کشور و در کنار مسلمانان زندگی می‌کنند نمی‌توانند از حقوق و آزادی‌هایی برخوردار باشند. اهل کتابی که در قلمرو اسلام زندگی می‌کنند و مطابق قرارداد ذمه از حکومت اسلامی تبعیت نمایند، اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند. از دیدگاه اسلام، تنها اهل کتاب، اهلیت انعقاد قرارداد ذمه را دارند و این امتیاز به دلیل احترام خاصی است که اسلام برای پیامبران بزرگ الهی قائل است و به پیروان آنان به دیده احترام می‌نگرد (نجفی، ۱۴۲۱ ه.ق: جلد ۲۱، ص ۳۴). بنابراین، اهل کتابی که خواهان اقامت در قلمرو اسلام هستند می‌توانند با استفاده از قرارداد ذمه از مزایای حقوق و آزادی‌های شایسته مقام انسانی بهره‌مند شوند. در واقع، آنان تابع شریعت خاص خود هستند و به معنای واقعی مورد حمایت دولت اسلامی قرار دارند. در فراز نخست از دعای سی و هشتم صحیفه سجاده‌ایه زمانی که آن حضرت می‌فرماید: «خدا یا! از تو پوزش می‌خواهم درباره ستم‌دیده‌ای که در حضور من به او ستم شد و من یاری‌اش ندادم»، با توجه به این که دعای مزبور اطلاق دارد، شامل ظلم هم به مسلمان و هم غیرمسلمان می‌شود. در همین زمینه، روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «هر کس صدای مظلومی را بشنود که از مسلمانان کمک می‌طلبد و به کمک او نشتابد مسلمان نیست» (طوسی، ج ۶، ۱۳۶۵: ص ۱۷۵).

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود امام سجاد (ع) به رعایت پیمان و معاهده اهمیت زیادی داده و نقض آن را مورد نکوهش قرار داده است. در واقع آن حضرت که پرورش یافته دین مبین اسلام می‌باشد با تبعیت از نخستین آیه از سوره مبارکه مائده که خداوند فرموده است به پیمان‌های خود احترام بگذارید و همچنین آیه ۱۷۷ از سوره مبارکه بقره که می‌فرماید «والموفون بعهدهم اذا عاهدوا - وفاکنندگان به عهدهایشان آن هنگام که پیمان می‌بندند»، اهمیت این موضوع را نیز به



دیگران گوشزد می‌کند. قرآن مجید با صراحت تمام به حقوق طبیعی آنان اعتراف کرده و آنان را از عدل و قسط بهره‌مند می‌داند و در آیات ۸ و ۱۹ از سوره مبارکه ممتحنه می‌فرماید: «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تیروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین». یعنی «خدای متعال شما را منع نمی‌کند از این که نسبت به کفاری که با شما بر سر دین نمی‌جنگند و از وطنتان بیرونتان نکرده‌اند، نیکی کرده و عادلانه رفتار کنید. همانا خداوند دادگران را دوست دارد». آری قرآن، مسلمین را به معاشرت و ارتباط دوستانه و عادلانه با اقلیت‌ها فرمان می‌دهد: «انما ینهاکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم و ظاهروا علی اخرجکم ان تولوهم و من یتولهم فاولئک هم الظالمون» یعنی: «خداوند شما را از دوستی و پیوند صمیمانه با کسانی که به خاطر دینتان جنگیده و از وطن بیرونتان کرده‌اند باز می‌دارد و آنها که با آنان دوستی کنند ستمگران می‌باشند». اسلام پیروان خود را به معاشرت نیک و احترام با کفار و عقاید اهل کتاب و ابقای آنان بر دینشان در صورتی که خودشان چنین بخواهند تشویق می‌کند. رسول خدا شخصاً اهل کتاب را گرامی داشته و با آنان به بهترین وجه رفتار می‌فرمود. حتی مردگان آنان را نیز محترم می‌شمرد. جابر بن عبدالله می‌گوید: جنازه‌ای را از جلو ما عبور دادند، پیامبر اکرم با احترام آن از جا برخاستند. ما نیز به پیروی از آن حضرت از جا برخاستیم و به آن حضرت عرض کردیم: این مرده یک یهودی بود. فرمودند هرگاه جنازه‌ای دیدید با احترام برخیزید. امیر المؤمنین علی علیه‌السلام نیز وقتی پیر مردی مسیحی را در حال گدایی دید، سؤال فرمود که این کیست؟ گفتند مردی مسیحی است. فرمودند از او کار کشیدید و اکنون که پیر و ناتوان شده او را با این وضع رها کرده‌اید. دستور داد از بیت‌المال به اندازه رفع نیازش به او کمک کنند (بلاغی، ۱۳۷۰: ص ۶۶). همان گونه که اشاره گردید، امام سجاد (ع) به حق اهل ذمه اشاره کرده و می‌فرماید آن چه را خداوند از آنها پذیرفته شما نیز قبول کنید و افزون بر آن چیزی بر آنها تحمیل نکنید و تا زمانی که بر عهد و پیمان خویش با خدا ثابت و وفا دارند در حق آنان ستم نکنید.

آیات و روایاتی که بدان اشاره گردید هم شامل عهد فردی که افراد در روابط خصوصی خود با یکدیگر منعقد می‌کنند می‌گردد و هم شامل پیمان‌ها و عهدهای اجتماعی می‌شود که میان دو قوم منعقد می‌شود و اصطلاحاً وفای به پیمان‌های اجتماعی از نظر دین اسلام مهم‌تر از وفای به پیمان‌های فردی است زیرا نقص آن اثرات مخرب‌تری بر جای می‌گذارد.

۴. نتیجه‌گیری

انسان فی‌نفسه یک ارزش و یک حوزه غیر قابل تعرض به شمار می‌رود و در اندیشه دینی کسی است که خداوند متعال به او کرامت ذاتی عطا کرده و بر سایر موجودات برتری داده است. بنابراین، انسان‌ها صرف نظر از نژاد، زبان، مذهب، جنسیت و سایر علایق، دارای حقوقی هستند که به اعتبار انسان بودن به آنها اعطا شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر که یکی از افتخارات انسان متمدن

است این حقوق را که ذاتی و غیر قابل سلب و انتقال است مورد بحث قرار داده و آن را جزو ذاتی و جدایی‌ناپذیر موجودیت انسان به شمار آورده است. بدیهی است مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق شهروندی و حقوق بشر نیست و همه افراد یک جامعه از این حقوق برخوردار هستند. امام سجاد (ع) در دوران بعد از شهادت پدر بزرگوارشان در محیطی پر از خفقان و نفاق و ظلم و ستم با جملات دعایی و نیایش با معبود خویش، مردمان زمان خود را نسبت به اسلام حقیقی و حقوق طبیعی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود آشنا ساخته و با بهره‌گیری از لطف خداوند متعال و سنت راستین پیامبر و قرآن خواستار انجام و عمل به آن شده است. حقوق مضبوط در متون صحیفه سجادیه و رساله حقوق امام سجاد (ع)، نه تنها در زمان امام، بلکه در همه اعصار و دوران‌های عمر بشر که همواره در معرض تعرضات نفسانی قرار دارد قابلیت اجرا و عمل را دارد.

منابع؛

- قرآن کریم
- رساله حقوق امام سجاد (ع)
- صحیفه سجادیه
- اعتصامی، پروین. (۱۳۸۴). مثنویات و تمثیلات. تهران: انتشارات حسام الدین.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ایزدی، مهدی و مهدوی منش، حسین. (۱۳۹۱). پی جویی خانواده و کارکردهای ترتیبی آن در آموزه های امام سجاد (ع) با تأکید بر شیوه‌های انحراف‌زدایی و خصلت‌افزایی. مطالعات قرآن و حدیث. شماره یازدهم. ص ۴۵-۶۸.
- بلاغی، صدرالدین. (۱۳۷۰). عدالت و قضا در اسلام. چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ ه.ق). وسائل الشیعه. جلد‌های ۱۵ و ۲۷. چاپ دوم. قم: آل البيت.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۹۸۳ م). تفسیر درالمنثور. چاپ اول. قم: دارالفکر.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۸۳). امالی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات کتابچی.
- طباطبایی مومنی، منوچهر. (۱۳۸۸). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طوسی، علی بن حسن. (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. جلد ۶. چاپ چهارم. لبنان: دارالکتب العلمیه.
- علی بن ابی طالب. (۱۳۸۰). نهج البلاغه. ترجمه محمد تقی جعفری. چاپ اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۷۰). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. جلد ۱. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۷). اصول کافی. جلد ۳. چاپ دوم. تهران: انتشارات ولی عصر.
- لوین، لیا. (۱۳۷۷). پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر. ترجمه محمد بن جعفر پوینده. چاپ اول. تهران: نشر قطره.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. جلد ۳. چاپ سی و دوم. لبنان: دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، حاج میرزا حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسایل. ج ۸. قم: موسسه آل البيت.
- هاشمی، محمد. (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: نشر میزان.
- هندی، حسام الدین. (۱۴۰۹). کنز العمال. جلد ۱۶. چاپ دوازدهم. بیروت: موسسه الرساله.